

غزل شماره ۲۸۲

بِرد از من قرار و طاقت و هوش

بت سکین دلِ سیمین بناکوش

مغاری چاکلی همسگی کله دار

نظریفی مه وشی ترکی قباپوش

زتاب آتش سودای عشقش

به سان دیک دایم می زنم جوش

چو پیر این شوم آسوده خاطر

گزش همچون قبا کیرم در آغوش

اگر پوسیده گردد استخوانم

نگردد مه‌رت از جانم فراموش

دل و دینم دل و دینم برده‌ست

برودشش برودشش برودش

دوای تو دوای توست حافظ

لب نوشش لب نوشش لب نوش

## تفسیر فال

برای دیدن یار، به راستی هوش و حواس خود را از دست داده‌اید، گویی در دنیایی دیگر سیر می‌کنید که تنها تصویر او در ذهنتان نقش بسته است. اما آیا مطمئن هستید که احساسات و عشق شما به او پاسخ مشابهی را در دلش برمی‌انگیزد؟ تمامی فکر و اندیشه‌هایتان به سمت او معطوف شده و قلبتان تسخیر زیبایی‌ها و جذابیت‌های او گردیده است. این عشق عمیق و پاک، همچون دریایی آرام که عمق آن ناشناخته است، وجود شما را فراگرفته است. ممکن است احساس کنید که زندگی روزمره‌تان تحت تأثیر این عشق قرار گرفته و از فعالیت‌های روزانه خود فاصله گرفته‌اید. اما کمی صبر کنید؛ بی‌شک خداوند بزرگ داروی درد شما را می‌داند. اوست که درمانگر همه زخم‌هاست و با قدرت لایزال خود می‌تواند آرامش خاطر را به دل‌های پریشان بازگرداند. امید داشته باشید که محبت پاک شما سرانجام نتیجه خواهد داد و نور عشق دوباره در زندگی‌تان تابیدن خواهد گرفت.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)